

مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مسئولان
در سخنان مقام معظم رهبری

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه	۱
۱. امام خمینی (ره) به عنوان نماد و جهت دهنده فرهنگ سیاسی کشور.....	۳
۲. عدالت محوری به عنوان هدف متعالی فرهنگ سیاسی.....	۵
۳. قانونگرایی به مثابه روش دستیابی به فرهنگ سیاسی متعالی.....	۹
۴. پرهیز از اختلافات و مسائل حاشیه‌ای.....	۱۴
۵. عواملان و نیروی انسانی فرهنگ سیاسی.....	۱۸
۶. صدور فرهنگ سیاسی متعالی.....	۲۰
نتیجه‌گیری.....	۲۰
پی‌نوشت‌ها.....	۲۱



مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مسئولان در سخنان مقام معظم رهبری

چکیده

فرهنگ سیاسی در واقع توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است که هم بر رفتار شهروندان و هم رهبران و حاکمان تأثیر می‌گذارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی تاکنون در موارد متعددی از فرهنگ سیاسی سخن گفته اند. این گزارش در صدد است با توجه به سخنان مقام معظم رهبری، محورهای فرهنگ سیاسی را با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) به عنوان نماد و جهت‌دهنده فرهنگ سیاسی؛ عدالت، به عنوان هدف متعالی فرهنگ سیاسی و قانون‌گرایی، به مثابه روش دستیابی به فرهنگ سیاسی متعالی، استخراج کند.

مقدمه

عمدتاً به مجموعه فرآورده‌های عمیق ذهنی، فرهنگ گفته می‌شود، فرهنگ سیاسی شامل باورها، اندیشه و عقاید مربوط به سیاست، قدرت و رهبری جامعه است. برای درک این مفهوم لازم است به معنای افکار عمومی^۱ نیز توجه داشته باشیم. فرهنگ سیاسی و افکار عمومی هر دو با تمایلات سیاسی در جامعه ارتباط دارند و هر دو نیز بر رفتارها و عکس‌العمل شهروندان تأثیر می‌گذارند، اما تفاوت آنها در سطح و عمق است. افکار عمومی با گرایش‌ها، تمایلات و رفتارهای سیاسی روز مرتبط است و از ثبات برخوردار نیست، ممکن است موجی برخیزد و شهروندان نسبت به عملکرد یک قوه حکومتی موقتاً بدبین شوند و موجی دیگر آن را به خوش‌بینی تبدیل کند. بنابراین افکار عمومی جامعه مرتب در حال تغییر و دگرگونی است. اما فرهنگ سیاسی تقریباً از ثبات نسبی برخوردار است. تغییر در فرهنگ سیاسی زمان‌بر و کند است، مثلاً بدبینی به حکومت و یا برخورد استبدادی در رفتار افراد، از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی است که ممکن است حتی با وجود تغییر حکومت استبدادی در عمق اذهان افراد وجود داشته باشد و چنانچه افکار عمومی درباره یک موضوع سیاسی به مدت زیادی دوام پیدا کند و از سطح ذهنیت افراد به عمق آن برود، تبدیل به فرهنگ سیاسی می‌شود. فرهنگ

سیاسی در واقع توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است که هم بر رفتار شهروندان و هم رهبران و حاکمان تأثیر می‌گذارد.^(۱) فرهنگ سیاسی، ارزش‌های سیاسی یک جامعه را تعیین می‌کند، مبانی مشروعیت نظام سیاسی را روشن می‌کند، در سطح و نوع تقاضاهای سیاسی افراد و گروه‌های یک جامعه مؤثر است و ممکن است افراد جامعه را مشارکت‌جو،^۱ فعال یا منفعل، پیرو،^۲ اقتدارگرا، دمکرات، مستبد، قومیت‌گرا، وفاق‌گرا^۳ و یا منازعه‌گرا^۴ بار آورد.^(۲)

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در موارد متعددی از فرهنگ سیاسی سخن گفته‌اند، اهمیت فرهنگ سیاسی، انواع فرهنگ سیاسی، ویژگی‌های فرهنگ‌های سیاسی مختلف، تفاوت فرهنگ سیاسی اسلامی با فرهنگ سیاسی استبدادی و غربی و نقش انقلاب اسلامی در فرهنگ سیاسی ایران و مسلمانان از مباحث مطرح شده توسط ایشان است. از جمله در اشاره به مسائل فرهنگ سیاسی می‌فرمایند:

«ادب زمامداران، اخلاق زمامداری در کشور ما، یکی از مسائل فرهنگ سیاسی این است».^(۳)
در جای دیگر سلطه فرهنگی را به‌عنوان مسئله فرهنگ سیاسی طرح می‌کنند^(۴) و درباره فرهنگ سیاسی امروز جهان می‌فرمایند:

«فرهنگ سیاسی امروز عالم، فرهنگ قدرت‌گرایی و قدرت‌طلبی است».^(۵)

همچنین از ولایت، کرامت‌بخشی به مردم، مردم‌سالاری دینی، نفی حاکمیت زور و سلطه، آزادی و آزادی‌گی به‌عنوان مبانی فرهنگ سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران یاد می‌کنند. معظم‌له حتی پیشنهاد تشکیل سمینار مستقلی درباره فرهنگ سیاسی اسلامی ایران برای تبیین نکات برجسته آن ارائه می‌دهند.^(۶)

متأسفانه گاهی دیده می‌شود که «ولی فقیه»، سیاست‌ها و تأکیدات بلندمدت، میان‌مدت و یا کوتاه‌مدت را بیان می‌فرمایند و جریان‌های فکری و سیاسی هم چندین روز و یا یکی دو ماه، علاقه جدی به آن مطالب ابراز و احیاناً جمعی را مأمور پیگیری آنها می‌کنند، ولی پس از مدتی این موضوعات از تب و تاب و دغدغه اجتماعی خارج می‌شود! یکی از آثار این سهل‌انگاری و کم‌توجهی به فرمایشات ولی فقیه، تشنیت در آرا و عقاید و سلیقه‌ها، در امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که زمینه اختلاف و چنددستگی و نفوذ دشمن در صفوف به‌هم پیوسته مسلمین را به دنبال دارد.^(۷) اثر دیگر این سهل‌انگاری، افتادن در خطرات و فتنه‌ها حتی برای کسانی است که عمر خود را در خدمت اسلام و انقلاب اسلامی سپری کرده‌اند. سخنان رهبری، زمینه‌ساز ایجاد بصیرت و رسیدن

1. Participant
2. Subject
3. Consensual
4. Conflictual



به معیارها و محتواهای صحیح است؛ بر این اساس در این گزارش سعی شده است با توجه به سخنان اخیر مقام معظم رهبری به‌ویژه از بیانات ایشان در جمع مردم فارس به بعد محورهای فرهنگ سیاسی با تأکید بر اولاً اندیشه امام خمینی (ره) به‌عنوان نماد و جهت‌دهنده فرهنگ سیاسی، ثانیاً عدالت به‌عنوان هدف متعالی فرهنگ سیاسی، ثالثاً قانونگرایی به‌مثابه روش دستیابی به فرهنگ سیاسی متعالی، رابعاً عاملان و نیروی انسانی فرهنگ سیاسی (آموزش و پرورش) و در آخر، صدور فرهنگ سیاسی متعالی استخراج شود.

۱. امام خمینی (ره) به‌عنوان نماد و جهت‌دهنده فرهنگ سیاسی کشور

مروری بر مکتب ماندگار امام

یکی از دلایل مهمی که ولی فقیه به بررسی ویژگی‌های مکتب امام خمینی (ره) می‌پردازند، توجه دادن به این نکته است که چنانچه کسانی به اسم امام خمینی، به بیان ویژگی‌هایی از مکتب امام پرداختند، مردم و مسئولان متوجه باشند و آن خصوصیات مطرح شده را با ویژگی‌های اصلی مکتب امام بسنجند. ایشان محبت مردم به امام راحل را اینچنین تحلیل می‌کنند: «ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفاً از نوع یک علقه قلبی و احساسی و عاطفی نیست ... بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به‌عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است ... مکتب امام یک بسته کامل است ... دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید». «دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است» بعد سوم عدالت است. امام هر سه بعد را از اسلام گرفته‌اند.

- بُعد عقلانیت

الف) انتخاب مردم‌سالاری: انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجاتبخش او بود. قرن‌های متمادی حکومت‌های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند و حتی در دورانی که در ایران جریان مشروطه به‌وجود آمد و به ظاهر جریان قانون در کشور رسمی شد، عملاً استبداد و دیکتاتوری دوران پهلوی از استبداد گذشتگان‌شان گزنده‌تر و سخت‌تر و مصیبت‌بارتر بود. در کشوری با این سابقه، امام بزرگوار ما این امکان را پیدا کرد، این توفیق را یافت که مسئله حضور مردم و انتخابات مردمی را به یک حقیقت نهادینه شده تبدیل کند. مردم ما هرگز مزه انتخابات آزاد را، جز در برهه‌های بسیار کوتاه در صدر مشروطه، تجربه نکرده بودند.

ب) سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم: امام بزرگوار حرکت بیداری ملت‌های مسلمان را پیش‌بینی می‌کرد و خداوند متعال تفضل فرمود، این پیش‌بینی به وقوع پیوست؛ همچنان

که سقوط حکومت شوروی را پیش‌بینی کرد و خدای متعال آن را تحقق بخشید. «امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضا می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد».

ج) تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکایی در ملت: در طول سال‌های متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربی‌ها در این کشور - یعنی از اول قرن ۱۹ میلادی که پای غربی‌ها به ایران باز شد - دائماً به وسیله عوامل و دستیاران خودشان، با تحلیل‌های گوناگون، ملت ایران را تحقیر می‌کردند، اینطور وانمود می‌کردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله غربی‌ها بشود؛ ملت ایران توانایی ندارد. امام بزرگوار به یک چنین ملتی روح اعتماد به نفس را تزریق کرد.

د) تدوین قانون اساسی: «امام خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند ... اینجور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده ملت گذاشته شد».

- بُعد معنویت

«مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد، هرچه که احساس می‌کرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام می‌داد. از فداکاری در این راه، امام ابا نکرد ... آنچه که برای خدا انجام داد، به وسیله خدای متعال به آن برکت داده شد؛ ماندگار شد. خاصیت اخلاص این است ... او اهل توکل بود، اهل تضرع بود، اهل توسل بود، اهل استمداد از خدا بود، اهل عبادت بود ... خود او اهل رعایت اخلاق بود، دیگران را هم به اخلاق سوق می‌داد.

امام ماها را توصیه می‌کردند به اینکه مغرور نشویم، خودمان را بالاتر از مردم ندانیم، خودمان را بالاتر از انتقاد ندانیم، بی‌عیب ندانیم بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به اینکه در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد».

- بُعد عدالت

الف) اصرار امام بر رسیدگی به طبقات محرومین: از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه بر طبقات ضعیف را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ‌نشینان» جزء تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد.

ب) نهی مسئولین از آفت‌زدگی: «آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آرای مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیافتند».

ج) اصرار امام بر انتخاب مسئولین از میان مردم: «امام اصرار داشت که وابستگی‌ها ملاک قبول



مسئولیت‌ها نباشد. وابستگی به شخصیت‌ها به فامیل‌ها، بالای هزار فامیلی که در دوران قاجار و دوران پهلوی بر سر این کشور آمد، امام بزرگوار ما را نسبت به این قضیه حساس کرده بود.^(۸)

۲. عدالت‌محوری به‌عنوان هدف متعالی فرهنگ سیاسی

مهمترین مفهومی که نقش محوری در نظام اندیشه‌ای مقام معظم رهبری دارد عدالت است، به عبارت دیگر در دیدگاه ایشان عدالت، راهبرد قدرت سیاسی است و قدرت همیشه باید تابع و پیرو اصل عدالت باشد.

بر همین اساس مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر اهمیت مسئله عدالت اجتماعی به‌عنوان یک هدف نظام، جایگاه آن را در ساختار قدرت سیاسی این‌گونه توضیح می‌دهد: «آنچه در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسئله عدالت اجتماعی است ... «عدالت» هدف است ... آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم».^(۹)

همچنین رهبری بر این اعتقاد است که کلیه قانونگذاری‌ها، تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها در نظام اسلامی باید با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی باشد. ایشان می‌فرماید: «انقلاب اسلامی آمد و راه عدالت اجتماعی را باز و مسیر را هموار کرد که باید عمل کنیم. آن کسی که تصمیم می‌گیرد. آن کسی که برنامه‌ریزی می‌کند باید ملاحظه عدالت اجتماعی را بکند».^(۱۰)

به‌نظر ایشان در تاریخ عدالت نقش ادیان استثنایی است:

«به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»... در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است».

«پیغمبران در معارضه بین ظالم و مظلوم، همیشه در طرف مظلوم قرار گرفتند؛ یعنی برای عدالت وارد میدان شدند و جنگیدند؛ این هم بی‌نظیر است. حکما درباره عدالت حرف زدند؛ اما خیلی اوقات مثل بسیاری از روشنفکرانِ گوناگون حرف‌هایی می‌زنند، ولی در مقام عمل وارد میدان نمی‌شوند».

«همه ادیان متفقند در اینکه پایان این حرکت عظیم تاریخی، یک پایان امید به عدل است ... پس در مبدأ، در مسیر و در منتها، نبوت‌ها تکیه‌شان بر روی عدل است؛ این بی‌نظیر است».^(۱۱)

۱-۲. انقلاب اسلامی ایران و عدالت

مقام معظم رهبری تداوم حیات نظام سیاسی جمهوری اسلامی را در راستای تحقق عدالت ارزیابی می‌نماید و به واقع عدالت صفت جدانشدنی از ساخت قدرت سیاسی در یک حکومت اسلامی و از

وجوه ممیزه ساخت قدرت سیاسی یک حکومت اسلامی با غیراسلامی می‌باشد. همان‌گونه که امام علی (ع) می‌فرماید: «تُبَاتُ الدُّوَلِ بِالْعَدْلِ».^(۱۲)

ایشان در دیدار خود با فرماندهان سپاه، متذکر شدند که هویت سپاه را که هویت پاسداری است، به معنای یک مفهوم محافظه‌کارانه تلقی نشود، بلکه باید حفاظت از هدف‌های ترسیم شده برای نظام از جمله عدالت مد نظر باشد: «حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیش‌رونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب به سمت هدف‌های ترسیم شده. .. هدف نهایی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پایین‌تر از آن، ایجاد جامعه اسلامی است با همه مشخصات و آثار که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد».^(۱۳)

«در انقلاب اسلامی ما - که یک حرکت دینی بود - به‌طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد... می‌دانم کارهای وسیعی از اول انقلاب انجام گرفته؛ لکن مطلقاً راضی‌کننده نیست. آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول».^(۱۴)

۲-۲. رهنمودهای مقام معظم رهبری درباره عدالت

الف) هدف، رسیدن به نظریه اسلامی ناب در باب عدالت

به‌نظر ایشان آنچه که در مرحله نظری، ما می‌خواهیم به آن برسیم، رسیدن به اسلامی ناب در باب عدالت است، البته باید با نگاه متجددانه، با نگاه نوآورانه، به منابع اسلامی مراجعه کرد. به‌نظر ایشان «در این قضیه باید جداً از التقاط جلوگیری کرد، باید پرهیز کرد». در عین حال به‌نظر ایشان «ما وقتی با یک نظر بیگانه آشنا می‌شویم و ذهن ما آن اتساع لازم را پیدا می‌کند، از منبع اسلامی خودمان استفاده بهتر و کامل‌تری می‌کنیم».

ب) لزوم خالص بودن نظریه اسلامی

ایشان در مورد عدم مقبول بودن فلسفه غربی در استفاده مسلمانان در نظریه‌پردازی در باب عدالت ابراز داشتند: «اگر بخواهیم به نظریات غربی - که عمدتاً آنهاست - استناد کنیم، در واقع تکیه کردیم به مبانی فلسفی‌ای که قبول نداریم». رویکرد نگاه اسلامی و غربی به عدالت تفاوت دارد. به‌نظر ایشان «در اسلام، عدالت ناشی از حق است... و علاوه بر این، در عدالت «باید» وجود دارد؛ یعنی از نظر اسلام، عدالت‌ورزی یک وظیفه الهی است؛ درحالی که در مکاتب غربی این‌جور نیست».

به‌نظر ایشان ضرورت تضارب آرا در عرصه تفکر و نظریه‌پردازی در عدالت وجود دارد. «جمع‌بندی قوی و متقن و مستدل در باب عدالت اجتماعی» برای طراحی برنامه‌های بلندمدت سپس



«بحش‌های کاربردی» برای پیدا کردن «شیوه‌های اجرا و تحقق آن در جامعه ... آن وقت در اینجاست که ما می‌توانیم از تجربیات بشری استفاده کنیم».^(۱۵)

ج) ضرورت درآمیختن عدالت با معنویت و عقلانیت

این واقعیت که روح توحید و دعوت به اخلاق و معنویت و عبودیت جوهره اصلی تعالیم اسلامی است ما را به این نکته مهم می‌رساند که در چارچوب تفکر اسلامی، عدالت اجتماعی به تنهایی تأمین‌کننده فضایل یک جامعه اسلامی نیست و در کنار اندیشه عدالت باید معنویت نیز به دغدغه اصلی بدل شود. از این گذشته حتی خود عدالت نیز در صورتی به‌طور واقعی و حقیقی دنبال می‌شود که با انگیزه معنوی همراه باشد. تجربه ثابت کرده است که منادیان صادق و راستین عدالت کسانی هستند که از پشتوانه قوی معنوی و مذهبی برخوردارند و صد البته اگر این معنویت و خداخواهی با تدبیر و عقلانیت کافی همراه نشود به تنهایی نمی‌تواند ضامن تحقق عدالت باشد. رهبر انقلاب اسلامی در بیانات متعددی بر این جنبه تأکید خاص دارند. ایشان از سویی بر این نکته اصرار دارند که تحقق عدالت نیازمند بسط اعتقاد به مبدأ و معاد و معنویت در سطح جامعه است و تا این اعتقادات در میان آحاد جامعه دامن‌گستر نشود، عدالت اجتماعی واقعی و مورد نظر اسلام پیاده نمی‌شود: «هر جا اعتقاد به مبدأ و معاد نبود، عدالت یک چیز سربار، تحمیلی و اجباری بیش نخواهد بود. علت این هم که بعضی از طرح‌های قشنگ غربی در باب عدالت مطلقاً در عمل تحقق پیدا نمی‌کند، همین است؛ پشتوانه اعتقادی ندارد ... این اعتقاد، به انسان نشاط می‌دهد، نیرو می‌دهد. انسان بداند که رفتار ظالمانه، حتی اندیشه ظالمانه، در عرصه تجسم اعمال در قیامت، چه بلایی به روز او می‌آورد، طبعاً به عدالت نزدیک می‌شود»^(۱۶) و از سویی دیگر بر لزوم برخورداری مسئولان دولتی و مجریان عدالت اجتماعی از معنویت و عقلانیت تأکید دارند. عقلانیت اقتضا می‌کند که مجریان و دست‌اندرکاران تحقق عدالت در هر عرصه از عرصه‌های اجتماع از تجارب عقلایی سایر ملت‌ها و نیز از تدبیر و محاسبه و دقت کافی و بهره‌مندی از نظرات صاحب‌نظران که اقتضای کار معقول و سنجیده است بهره‌مند باشند. ایشان در این باره می‌گویند: «در عدالت، هم عقلانیت باید مورد توجه باشد، هم معنویت. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی، خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند اما چون معنویت و آنگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می‌کند. دوم عقلانیت، اگر عقلانیت در عدالت نباشد گاهی اوقات عدالت به ضدخودش تبدیل می‌شود ... در عدالت، عقلانیت شرط اول است».^(۱۷)

د) لزوم توجه به شاخص‌ها و معیارهای عدالت

بسیاری از متفکران در حوزه عدالت‌پژوهی به تعریف و تقسیم عدالت بسنده کرده‌اند و تمامی تلاش

آنان در حد ذکر برخی مباحث نظری و کلی درباره عدالت و عدالت اجتماعی محدود شده است؛ حال آنکه از مباحث خطیر و مهم عدالت، پرداخت به این نکته است که براساس کدامین معیارها و شاخص‌ها می‌توان عدالت را در هر حوزه از حوزه‌های حیات اجتماعی استقرار بخشید. از آنجا که عدالت از جمله کلیدواژه‌هایی است که هم مورد تأکید بسیاری از سیاستمداران قرار گرفته و هم از آن تعاریف مختلفی صورت گرفته است، لزوم پیدا کردن «شاخص‌های عدالت» که مقام معظم رهبری روی آن تکیه کردند، اهمیت می‌یابد. ایشان در جمع محققان آموزه عدالت بیان داشتند: «در عرصه عمل هم خیلی کارها باید انجام بگیرد که یکی از آنها این است که عدالت را یک معیار و یک سنجه اساسی در قانونگذاری بدانیم».

رهبر انقلاب با تفتن بر این نکته مهم که هر عرصه از عرصه‌های حیات جمعی اقتضائات خاص خود را دارد و برای تحقق عدالت در آن عرصه شاخص‌ها و معیارهای ویژه آن عرصه باید تعریف شود، تأکید می‌کنند که تعریف عدالت و نظریه‌پردازی و مفهوم‌سازی‌های مرسوم برای تحقق عدالت کفایت نمی‌کند و لازم است در ساحت‌های مختلف جامعه از اقتصاد و قانونگذاری و نظام قضا گرفته تا نظام آموزشی و بهداشت شاخص‌ها و معیارهای عدالت تفکیک شده تعیین شود تا در برنامه‌ریزی عدالت‌محور و انجام فعالیت‌های اجرایی برای تحقق عدالت در آن حوزه‌ها معیاری برای داوری وجود داشته باشد و بتوان تشخیص داد که آیا این فعالیت‌ها منتهی به استقرار شده است یا خیر.^(۱۸) ایشان در این باره می‌گویند: «عدالت چه جوری تأمین می‌شود؟ یعنی واقعاً یک مقیاس لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های فرهنگی، بخش‌های آموزشی و پرورشی یا آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین می‌شود این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم در مقام عمل و در مقام اجرا به آن عدالت مورد نظر برسیم».^(۱۹)

عدالت صرفاً جنبه اجتماعی ندارد بلکه «به خودمان هم بایستی عدل بورزیم» اجتناب از ظلم به نفس، امید است توفیق ایجاد عدل در جامعه را به همراه آورد.^(۲۰)

در هر نظام اجتماعی قوه قضائیه برای حل و فصل کردن اختلافات و حاکم کردن عدل در مقابل ظلم، تجاوز و فساد به دو عامل نیاز دارد: یکی قدرت و اقتدار و دیگری اعتماد. مقام معظم رهبری در توضیح این دو عامل در جمع مسئولان قوه قضائیه گفتند: «اقتدار قوه قضائیه را می‌توان با همین زیرساخت‌های انسانی و فنی... تأمین کرد. قوه قضائیه با استحکام درونی، با تربیت و به‌کار گرفتن انسان‌های شایسته، فاضل، امین و درستکار، قوت و اقتدار پیدا می‌کند. با وضع قوانین درست، با نظارت‌های متناسب، با بهره‌گیری از پیشرفت‌های گوناگون فنی و سازمانی و استفاده از



همه دنیا، این اقتدار به وجود می‌آید... رکن دوم - که اعتماد مردم است - با تأمین عدالت امکانپذیر خواهد شد، با عمل دقیق و حکیمانه به قانون تأمین خواهد شد». ایشان زیر سؤال بردن گزارش‌های رسمی مسئولان برجسته نظام را مورد انتقاد جدی قرار دادند و افزودند: «نمی‌شود زحمات یک مجموعه انسانی فعال را با یک ان قلت بیجا و القای شبهه بی‌مورد، همه را انسان زیر پا له کند؛ این غلط است. البته جلوی حرف کسانی که اختیار حرف زدن خود را ندارند، نمی‌شود گرفت... ما به‌عنوان کسی که مستمع و شنونده و مخاطب این گزارش‌هاست، باید هوشیارانه نگاه کنیم، اما گزارش‌ها را تلقی به قبول کنیم. باید تلقی به قبول کنیم، البته در مواردی ممکن است یک آمار دروغ، آمار غلط، آمار اشتباهی هم داده شود؛ این را نباید تعمیم داد و شبهه کرد؛ این اعتماد مردم را از دستگاه‌های نظام، از بدنه‌های نظام سلب می‌کند، ضایع می‌کند... آنچه که تضمین‌کننده همه این مطالب است، تقوا این است که ما مراقب حرفمان، مراقب کارمان، مراقب جهتگیری‌مان، مراقب رفتارمان باشیم».^(۲۱)

۳. قانونگرایی به مثابه روش دستیابی به فرهنگ سیاسی متعالی

در بررسی قانونگرایی که می‌توان آن را ذیل فرهنگ سیاسی مورد ارزیابی قرار داد، مقام معظم رهبری نکات قابل توجهی را اشاره کرده‌اند که از نظر می‌گذرانیم. یکی از اصول برنامه پنج‌ساله سوم بند «۲۷» می‌باشد که عبارت است از: اهتمام به نظم، قانونگرایی، روحیه کار و تلاش، خوداتکایی، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در سطح جامعه، به‌ویژه در کارگزاران و مسئولان نظام و مبارزه با فساد.^(۲۲) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ابلاغ «سیاست‌های کلی نظام اداری» که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، کلیه مخاطبان این سیاست‌ها را موظف کردند که زمانبندی مشخص برای عملیاتی شدن آن را تهیه و پیشرفت آن را در فواصل زمانی معین گزارش کنند. قسمتی از متن «سیاست‌های کلی نظام اداری» که به رؤسای قوای سه‌گانه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ شده است، بدین شرح است:

بند «۲۰» - قانونگرایی، اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اداری و اجتماعی، پاسخگویی و تکریم ارباب‌رجوع و شهروندان و اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌ها.

بند «۲۳» - حفظ حقوق مردم و جبران خسارت‌های وارده بر اشخاص حقیقی و حقوقی در اثر قصور یا تقصیر در تصمیمات و اقدامات خلاف قانون و مقررات در نظام اداری.

بند «۲۴» - ارتقای سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی در آن از طریق اصلاح

فرایندهای قانونی و اداری، بهره‌گیری از امکانات فرهنگی و به‌کارگیری نظام مؤثر پیشگیری و برخورد با تخلفات.^(۲۳)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قانونگرایی را که امام خمینی (ره) به‌عنوان خصلت و ممیزه اصلی این نظام معرفی کردند مورد تأکید قرار داده و افزودند: «امام خمینی در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه عناصر و اجزایی را که می‌توانست این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن‌ستیزی».^(۲۴)

به‌نظر ایشان ضمن اینکه پابندی به قانون اهمیت والایی در نظام جمهوری اسلامی دارد، نشان دادن و بروز این پابندی در میدان عمل و توجیه نکردن کارهای غیرقانونی کار مشکلی است: «بدانید که قانونگرایی کار سختی هم هست؛ اما با وجود سختی‌هایش، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، فوایدش از بی‌قانونی بهتر است. وقتی که انسان سوار اتومبیل است و می‌خواهد به منزل برسد، ممکن است از راه میانبر ورود ممنوعی مسیر خود را انتخاب کند. اگر شما از این راه رفتید و به منزل رسیدید، به نظرتان فایده نقدی وجود دارد؛ اما خطراتی که در این راه هست، به مراتب غیرقابل مقایسه با آن سود است. تمام قوانین همین‌طورند».^(۲۵)

به‌نظر مقام معظم رهبری توجیه اعمال غیرقانونی و از آن جمله توسل به راه‌های مختلف برای فرار از زیر بار قانون رفتن از جمله اموری است که دامنگیر بسیاری از افراد در حیطه‌های مختلف زندگی اجتماعی می‌شود. ایشان با اشاره به خطر فزاینده این قبیل کارها افزودند:

«بعضی قانون را طوری عمل می‌کنند که اصحاب سبب عمل کردند! اصحاب سبب هم عین مر قانون عمل کردند؛ یعنی خدا گفته بود روز شنبه ماهی نگیرید، اینها هم روز شنبه ماهی نگرفتند. بله؛ کار کوچکی کردند که آن هم رسماً منع نشده بود و آن، این بود که حفره‌هایی درست کردند، ماهی‌ها داخل آن حفره‌ها آمدند، راه آن حفره‌ها را در روز شنبه بستند، تا ماهی نتواند برگردد! روز شنبه این کار را کردند، روز یکشنبه همان ماهی‌ها را گرفتند! این، ظاهر قانون است. اگر شما نگاه کنید، این مثل همان کلاه شرعی‌هایی است که یک ربای سنگین کذایی را با یک شاخه نبات جابجا می‌کردند! قانون بود، ظاهر شرع بود؛ اما امام بزرگوار رضوان الله علیه که یک فقیه قوی آگاه به لب و روح دین بود، قبل از اینکه تشکیل حکومت بدهد، این را منع کرد. جزء فتاوی ایشان - که در دوران مبارزه، ما به آن فتوا افتخار می‌کردیم و همه جا هم نقل می‌نمودیم - منع حیل ربا بود. ایشان مطلقاً حیل ربا را منع کرد. شما آقایان، حیل قانون را هم منع کنید و جلوش را بگیرید. بعضی از شرکت‌ها و بعضی از مجموعه‌های علی‌الظاهر قانونی، حامل باطن اصحاب السببی هستند. مواظب باشید



کسانی که می‌خواهند از قانون بگریزند، شما را به این دام نیاندازند؛ نیابند شما را قانع کنند که این کار قانونی است».^(۳۶)

۱-۳. مجلس شورای اسلامی به عنوان رکن اصلی قانونگذاری در کشور

مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود با نمایندگان مجلس شورای اسلامی نقاط مورد تأکید دشمن را برای تبیین سناریوی دشمن اینچنین برشمردند:

«دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه اساسی دارد:

- مسئله اقتصاد.

- «ایجاد اختلاف بین دستگاه‌ها: یک نقطه دیگر - که آن هم خیلی واضح است - ایجاد اختلاف بین دستگاه‌های مدیریت‌کننده کشور است؛ این هم یکی از کارهای اساسی آنهاست. این مسئله را پنهان هم نمی‌کنند. نه اینکه نمی‌خواهند پنهان کنند؛ پنهان‌کردنی نیست. نوع کار دشمنان در این قضایای مهم و کلان و بین‌المللی اقتضا می‌کند که یک کارهایی را بکنند، یک چیزهایی را بگویند، اظهاراتی را داشته باشند؛ لذا این تدابیر و سیاست‌های دشمنان در پرده نمی‌ماند».

ایشان ضمن برشمردن گناه فتنه‌گران ۱۳۸۸ راه مقابله با این محور تلاش دشمن را ایفای نقش نمایندگان و دفاع مشترک همه از اسلام و انقلاب و نیز تبدیل نکردن اختلاف سلیقه و عقیده به چالش برای نظام دانستند و افزودند: «اختلاف سلیقه، اختلاف نظر، اختلاف عقیده در مسائل سیاسی، نباید به چالش میان جناح‌های کشور، میان عناصر کشور منتهی شود. گناه بزرگ فتنه‌گران در سال ۱۳۸۸ این بود که اگر خوشبینانه نگاه کنیم و بگوییم اینها یک شبهه‌ای، خدشه‌ای در ذهنشان بود، این خدشه را به صورت ایجاد چالش برای نظام اسلامی مطرح کردند. این گناه بزرگ، قابل اغماض هم نیست؛ آثار آن هم همچنان در جامعه ما موجود است».

- «رقیق کردن اعتقادات اسلامی و احساسات اسلامی و رسوخ دادن تفکرات الحادی و شبه‌الحادی از طرق مختلف» ... «امروز در همین کشورهای عربی که این قیام‌ها و انقلاب‌ها اتفاق افتاد، عین همین قضیه دارد با شدت پیگیری می‌شود... اینها حدس و تحلیل نیست؛ اینها اطلاع است... این را من با قاطعیت عرض می‌کنم: با مایه‌های اعتقادی و فلسفی و عقیدتی غنی و قوی‌ای که در بین ما بالفعل وجود دارد - حالا آن کارهای بالقوه به جای خود - با نیروی انسانی علاقمند و کارآمد، این کفایت در نظام جمهوری اسلامی هست که در مقابل این هجمه مقابله کند».

۲-۳. آسیب‌شناسی اقدامات نمایندگان مجلس

مقام معظم رهبری در بیان وجود کفایت لازم در برخورد با دشمن عوامل این کفایت را مایه‌های

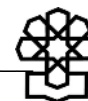
اعتقادی، فکری و فلسفی ما و همچنین وجود نیروی انسانی علاقمند و کارآمد دانستند که شاهد عینی آن را می‌توان در مقابله جمهوری اسلامی با دشمن در طول ۳۲ سال انقلاب اسلامی مشاهده کرد؛ گرچه کوتاهی‌ها و ضعف‌های اخلاقی و غیراخلاقی ما، مانعی در راستای تحقق کامل اهداف انقلاب شده است ولی پیشرفت روز به روز جمهوری اسلامی و عقب‌نشینی مداوم دشمن و تفاوت آمریکای دوره ریگان با آمریکای دوره اوباما دستاوردهای این کفایت در میان مردم و مسئولان نظام می‌باشد. از آنجا که نعمت وجود کفایت در میان مردم و مسئولان مانند دیگر نعمت‌های اجتماعی مورد آسیب واقع می‌شود، دچار شدن به غفلت یا غرور آسیب‌های اصلی در این محورند:

«منتها بیم آن هست که ما یا غافل شویم یا مغرور شویم نباید غفلت کرد و سرگرم کارهای حاشیه‌ای شد، نباید مغرور شد و دشمن را خرد و بیچاره شمرد؛ باید هوشیار باشد. تک تک ماها مخاطب این حرف هستیم. ... ما بار امانت سنگینی را بر دوش گرفته‌ایم. خدای متعال این بار امانت را بر دوش ما گذاشته. اختیاری هم نیست که بگوییم خیلی خوب، ما این امانت را نمی‌خواهیم؛ نه، این امانتی است که باید آن را مقتدرانه و امینانه به سرمنزل رساند. هر کاری که می‌کنیم - کار سیاسی می‌کنیم، کار فکری می‌کنیم، کار اقتصادی می‌کنیم، کارهای مدیریتی می‌کنیم - همه باید با این نگاه باشد ... اگر فارغ از این نگاه کار کردیم، بیم آن هست که کار ما در جهت خلاف این اهداف به کار بیافتد؛ آن وقت مؤاخذه الهی است. خدای متعال از این‌گونه گناهان بزرگ نمی‌گذرد. امام (رضوان الله تعالی علیه) در چند مورد از مسائل اجتماعی و گناهان اجتماعی و تخلفات سیاسی و اینجوری، همین تعبیر را داشتند: این گناهی است که خدای متعال از آن نخواهد گذشت، چون توبه‌اش آسان نیست. خوب، انسان از هر گناهی توبه کند، خدا می‌گذرد؛ اما وقتی انسان یک حرکتی کرد، یک ضربه‌ای به یک ملت وارد شد، چطور می‌شود این را توبه کرد؟ چطور می‌شود جبران کرد؟ چطور می‌شود از تک تک کسانی که آسیب دیده‌اند، انسان استحلال و طلب عفو کند؟ لذا خدا از این گناهان نمی‌گذرد».

رهبر معظم انقلاب توصیه‌هایی را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در راستای انجام بهتر وظایف نمایندگی ارائه دادند که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

– رعایت کردن تقوای جمعی

«تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند ... در دهه‌های قبل، یک جریانی در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آنها شعارهای خوبی هم می‌دادند، اما خودشان را مراقبت نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میانشان آدم‌هایی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آنها را به جایی رساند که فتنه‌گر ضدامام حسین و ضداسلام و ضدامام و ضدانقلاب توانست به آنها تکیه کند!».



- تأکید بر خودنظارتی در مجلس به عنوان نمونه‌ای از تقوای جمعی

«من پارسال به شما عرض کردم که در داخل مجلس شورای اسلامی، خودنظارتی بگذارید. این، همان تقوای جمعی است ... کسی با آزادی نماینده مخالف نیست؛ با کج رفتاری نماینده مخالف است ... البته اخیراً در مجلس نسبت به این قضیه کارکی انجام گرفت، اما اهمیت این قضیه درست به دست نیامد ... در این طرح نظارت هم که حالا کلیاتش تصویب شده، دوستان جوری تنظیم کنند که یک نظارت واقعی انجام بگیرد ... اینجور نباشد که رودربایستی و بده بستان و اینها بر این قضیه حاکم شود».

- عدم رکود و کم‌کاری به خاطر انتخابات آخر سال

نکته دیگری که معظم‌له به آن اشاره داشته‌اند موضوع انتخابات آزاد و عدم دخالت در رأی مردم به عنوان دفاع از جمهوریت نظام و عدم کم‌کاری مجلس به خاطر انتخابات آخر سال ۱۳۹۰ می‌باشد. ایشان ضمن بیان اینکه خطر تحت‌الشعاع قرار گرفتن اقدامات سال آخر نمایندگان در مجلس برای ابقای بیشتر از همین خطر در مورد اعضای دولت است، افزودند: «چون امسال آخرین سال نمایندگی این مجلس و دوستان و عزیزان است، مراقب باشید به خاطر انتخابات آخر سال در اسفند، این ده ماهی که باقیمانده، مجلس دچار رکود و کم‌کاری نشود. بیم آن هست که توجه دوستان و نمایندگان محترم به حادثه ۱۲ اسفند آینده موجب بشود که همه کارهای لازم فاصله بین امروز و ۱۲ اسفند تحت‌الشعاع قرار بگیرد». ایشان همچنین نمایندگان را از نزدیک شدن به صاحبان قدرت و ثروت برای انتخابات تحذیر کردند. عدم دخالت و حفظ احترام انتخابات نیز از جمله تأکیدات پایانی ایشان به مسئولین بود: «مسئولین کشور مراقب باشند احترام انتخابات را نگذارند. هم مجلس، هم دولت، هم قوه قضائیه، احترام انتخابات را نگذارند. اگر کسی به انحای مختلف دخالت کند، هیچ روا نیست، جایز نیست. باید مردم برطبق روال قانونی ببینند، تشخیص بدهند، بشناسند و انتخابات انجام بگیرد».^(۲۷)

- نزدیک نشدن به صاحبان قدرت و سرمایه به خاطر تأمین نمایندگی در یک دوره

«این از آن چیزهایی است که خدای متعال از آنها نمی‌گذرد و انتقام خواهد گرفت. این چیزها روی شخص، روی عاقبت - عاقبت به خیری که اینقدر برایش اهمیت قائلیم - و روی جامعه اثر منفی می‌گذارد».^(۲۸)

- ضرورت تعامل مجلس و دولت در تصویب قانون

چنانچه مجلس در تصویب قوانین مورد نیاز کشور ظرفیت‌های قوه مجریه و از طرف دیگر نیازهای فوری و غیرفوری دولت را لحاظ کند، تعامل بهتر و هم‌افزایی این دو قوه در رسیدن به اهداف مورد نظر نظام زودتر و بهتر محقق می‌شود. معظم‌له با اشاره به تعامل سازنده مجلس و دولت معتقدند: «قانونی که تصویب می‌شود برای اجرا شدن است به همین دلیل باید از ابتدا امکان اجرایی شدن

قانون، براساس شرایط گوناگون، اقتضائات کشور و نگاه کلی، اصولی و همه‌جانبه ملاحظه شود و مدنظر قرار گیرد ... در بعضی از دوره‌ها، تصور غلطی وجود داشت که حتماً رویکرد دولت و مجلس، دو رویکرد جداگانه باشد و هرکدام از این دو قوه، استقلال خود را در نفی دیگری بدانند درحالی که با رویکرد مشترک دولت و مجلس مسائل، حل می‌شود. مصوبات مجلس به‌عنوان قانون، قطعاً مورد حمایت رهبری است و قانون هم باید عمل شود، اما مجلس هم در مصوبات باید نیازهای دولت را مد نظر قرار دهد».^(۲۹)

۴. پرهیز از اختلافات و مسائل حاشیه‌ای

یکی از توصیه‌های مهم و همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مسئولین کشور پرهیز از اختلافات و درگیر شدن در مسائل حاشیه‌ای است. ایشان در مناسبت‌های گوناگون این اصل مهم را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی به مسئولین گوشزد کرده است:

- «اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال ۱۳۹۰ انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرست‌وار عرض بکنم ... یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه‌ای مبتلا نشود. ببینید، در بسیاری از اوقات یک مسئله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله اصلی بروند؛ باید مسئله کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدایی بلند می‌شود، یک مسئله حاشیه‌ای درست می‌کنند، ذهن‌ها متوجه آن می‌شود. این مثل این می‌ماند که در یک مسافرت مهمی، کاروانی، قطاری دارد حرکت می‌کند، هدفش رسیدن به یک نقطه خاص است؛ ناگهان ذهن‌ها را مشغول کنند به یک چیز حاشیه‌ای در بیابان، از راه باز بمانند، احياناً امکان ادامه حرکت هم از آنها گرفته شود. مسائل حاشیه‌ای نباید به میان بیاید. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند؛ می‌توانند مسائل فرعی و حاشیه‌ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه‌ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد ... یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است ... من به مسئولین کشور به‌طور جد این را تذکر و هشدار می‌دهم. ممکن است مسئولین از هم گله داشته باشند - که همیشه بوده؛ از اول انقلاب که ما دست‌اندرکار مسائل بودیم، دیدیم؛ گاهی قوه مجریه از قوه مقننه، گاهی قوه مقننه از قوه قضائیه، گاهی قوه قضائیه از قوه مجریه گله‌هایی داشتند؛ طبیعت کار هم همین است، گله به‌وجود می‌آید - ممکن است گله‌ها به حق هم باشد؛ اما این را نباید در عرصه افکار عمومی بیاورند، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت کنند، مردم را مأیوس کنند؛ بین خودشان حل کنند. مهمترین مسائل دنیا با مذاکره قابل حل است؛ این مسائل جزئی اهمیتی ندارد».^(۳۰)



- «نگذارید اختلاف به وجود بیاید. نگذارید شکاف به وجود بیاید. نگذارید آنچه را که دشمن در تبلیغات و در خباثت‌های سیاسی و تفتین‌های سیاسی می‌خواهد در مورد کشور ما انجام بدهد، انجام دهد. شما ببینید در همین ۵، ۶ روز گذشته سر یک قضیه‌ای که آنچنان هم از اهمیت بالایی برخوردار نبود - سر مسئله اطلاعات و امثال اینها - چه جنجالی در دنیا راه انداختند. تحلیل‌ها را بردند به این سمت که بله، در داخل نظام جمهوری اسلامی شکاف ایجاد شده است، حاکمیت دوگانه شده است، رئیس‌جمهور حرف رهبری را گوش نکرده است! دستگاه‌های تبلیغاتی خودشان را از این حرف‌های سست و بی‌پایه پر کردند. ببینید چطور منتظر بهانه‌اند. ببینید چطور مثل گرگ در کمین نشسته‌اند که یک بهانه‌ای پیدا کنند، هر جور می‌توانند، حمله کنند. می‌دانند که دولت مشغول تلاش و فعالیت و خدمت است. خوب، واقعاً در کشور دارد خدمت انجام می‌گیرد. هر جا خدمت باشد، هم مردم طرفدار هستند، هم رهبری طرفدار است. ما که راجع به شخص قضاوت نمی‌کنیم؛ ما کار را، خط را، جهت‌گیری را ملاک و معیار قرار می‌دهیم. آنجایی که کار و خدمت و تلاش هست، حمایت ما هست، حمایت مردم هست و بحمدالله امروز کار دارد انجام می‌گیرد. مسئولین دولتی هم حقاً و انصافاً دارند تلاش می‌کنند؛ هم اعضای دولت، هم به‌خصوص خود رئیس‌جمهور. اینها شب و روز ندارند؛ من می‌بینم، من از نزدیک شاهدیم. اینها دائم مشغول کارند، مشغول خدمت و تلاشند. خوب، اینها برای کشور خیلی باارزش است.»^(۳۱)

آنچه در این بیانات بسیار حائز اهمیت استفاده از کلمه تفتین‌های سیاسی در بیانات رهبری است. یعنی آن حاکمیت دوگانه‌ای که دشمن از بیرون و برخی از درون کشور درحال دامن زدن به آن هستند فتنه است.

- «عرض من به عناصر داخلی، به مردم دلسوز، به برادران و خواهرانی که در داخل با مسائل تبلیغاتی سروکار دارند، این است که سعی کنند به این آشفتگی کمک نکنند. اینکه تحلیل بگذارند، یکی از آن طرف، یکی از این طرف، این علیه آن، آن علیه این، برای هیچ و پوچ، چه لزومی دارد؟»^(۳۲)

- نباید به گونه‌ای صحبت و یا مطلبی نوشته شود که القای تنش و درگیری در جامعه باشد، زیرا این موضوع، خلاف شرایط کنونی کشور است. امام بزرگوار در آن دوران بارها خطاب به مسئولان می‌فرمودند: «در جلسات هرچه می‌خواهید بگویید، اما آن را به جامعه نکشانید زیرا مردم گناهی ندارند». نباید از گفته‌ها و یا نوشته‌های ما برداشت اختلاف شود و اگر هم اختلاف نظری است نباید جلوی مردم اخم کرد و بهانه به‌دست رسانه‌های بیگانه داد.^(۳۳)

- باید از هر کار و اقدامی که موجب پایکوبی و جنجال دشمنان می‌شود و دوستان را نیز ناراحت می‌کند، پرهیز شود. اگر نتیجه روند کارها، همکاری و همدلی و انسجام باشد، قطعاً تفضلات و عنایت خداوند متعال را روزافزون خواهد کرد. هرگونه ناهماهنگی و رقابت منفی، برای کشور بسیار مضر است.^(۳۴)

- «من با اینکه در منبرهای مداحی، می تعرض به این، بدگویی به آن بشود، موافق نیستم و اینها را دوست نمی‌دارم».^(۳۵)

- «سناریوی دشمن را حدس بزنی، ببینی دنبال چیست. اگر توانستیم درست بفهمیم، درست حدس بزنی و در مقابل سناریوی دشمن رفتار و اعمال خودمان را برنامه‌ریزی کردیم، قطعاً دشمن شکست خواهد خورد. همه شواهد نشان‌دهنده این است که دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه اساسی دارد ... یک نقطه دیگر - که آن هم خیلی واضح است - ایجاد اختلاف بین دستگاه‌های مدیریت‌کننده کشور است؛ این هم یکی از کارهای اساسی آنهاست. می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند. این اختلاف را به هر شکلی بتوانند، تزریق می‌کنند؛ ما بایستی بیدار باشیم. اختلاف سلیقه، اختلاف نظر، اختلاف عقیده در مسائل سیاسی، نباید به چالش میان جناح‌های کشور، میان عناصر کشور منتهی شود. گناه بزرگ فتنه‌گران در سال ۱۳۸۸ این بود که اگر خوشبینانه نگاه کنیم و بگوییم اینها یک شبهه‌ای، خدشه‌ای در ذهنشان بود، این خدشه را به صورت ایجاد چالش برای نظام اسلامی مطرح کردند. این گناه بزرگ، قابل اغماض هم نیست؛ ایجاد دعوا، گریبان یکدیگر را گرفتن، ایجاد اختلاف عمیق، یکی از کارهای بسیار بد، بسیار بزرگ و نکوهیده است؛ این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. شما در مجلس شورای اسلامی سهم خودتان را در این زمینه ایفا کنید. ربطی ندارد این مطلب به اینکه آن کسی که در مجلس است، مال چه نطه سیاسی است، چه مذاق سیاسی‌ای دارد؛ فرقی نمی‌کند؛ مسئله، مسئله دفاع از کشور، دفاع از انقلاب، دفاع از اسلام، دفاع از دستاورد بزرگ ملت ایران است».^(۳۶)

- «بیم آن هست که ما یا غافل شویم یا مغرور شویم؛ هر دو تایی اینها خطر است. نه باید غفلت کرد و سرگرم کارهای حاشیه‌ای شد، نه باید مغرور شد و دشمن را خرد و بیچاره شمرد؛ باید هوشیاری باشد. تکتک ماها مخاطب این حرف هستیم. یعنی شما ۲۹۰ نماینده در مجلس، هر یک یکتان جداگانه مخاطب این خطاب الهی و این مسئولیت الهی هستید؛ باید مواظب باشید. دولت هم همین جور، مسئولین قضایی هم همین جور، مسئولین بخش‌های گوناگون کشور هم همین طور؛ نظامی‌ها یک جور، غیرنظامی‌ها یک جور، آحاد مردم هم همین جور؛ همه مسئولیم».^(۳۷)

- «در مجلس، سلايق مختلف و جریان‌های مختلف هستند. بنده هیچ اصرار ندارم که جریان‌ها بیایند همه یکی بشوند؛ نه، اختلاف سلیقه، اختلاف فکر، اختلاف مذاق و اختلاف عقیده سیاسی وجود دارد و طبیعی است. این اختلاف سلیقه‌ها در موارد بسیاری مفید است؛ حالا ممکن است یک جاهایی هم ضررهایی داشته باشد. اصراری نیست بر اینکه این خطوط حتماً برداشته شود؛ اصرار اولاً بر آن چیزی است که قبلاً گفتم: یقه یکدیگر را نگیرند؛ اختلاف سلیقه منتهی نشود به کشمکش و دعوا و چالش و



دشمن خونی همدیگر شدن و فراموش کردن آمریکا. متأسفانه بعضی از جناح‌های ما اینجوری‌اند. وقتی با طرف مقابل مخالف می‌شوند، دیگر آمریکا فراموش می‌شود، اسرائیل فراموش می‌شود، مخالفین انقلاب و دشمنان امام فراموش می‌شوند؛ تضاد اصلی، می‌شود همینی که در مقابلش قرار دارد! خوب، این غلط است. پس جناح‌ها با همدیگر اینجور جنجال و دعوا نداشته باشند».^(۳۸)

- «گاهی دیده می‌شود که مثلاً در مجلس، در یک نطق، در یک اظهارنظری، یک حرفی زده می‌شود. خوب، حرف که زده شد، پرتاب شد دیگر. اگر خدای نکرده حرفی باشد که کسی را یا جمعی را متهم کند، جبرانش به آسانی ممکن نیست؛ مردم را ناامید می‌کند. امروز مسئولین دارند تلاش می‌کنند، کار می‌کنند. نگویید فلان ضعف و فلان ضعف وجود دارد. بنده به ضعف‌ها آگاهم. شاید بنده بعضی از ضعف‌ها را هم بدانم که خیلی‌های دیگر ندانند. با وجود این ضعف‌ها، آن چیزی که امروز در قوه مجریه وجود دارد، یک شاکله خوب و مطلوب است. در کشور دارد کار انجام می‌گیرد. خوب، باید همکاری کرد، باید کمک کرد».^(۳۹)

- «اگر به نام عدالتخواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالتخواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذا و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابیگری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آرا و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و می‌کنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمی‌خواهد براندازی کند، نمی‌خواهد خیانت کند، نمی‌خواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمی‌توانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ (ولایجرمتکم شنئان قوم علی آلآ تعدلوا)».^(۴۰)

«اینکه در مقابله با حرکت انحرافی فوق‌العاده خطرناک آن روز، امام حسین (علیه‌الصلاة والسلام) می‌ایستد، این می‌شود یک درس، که خود آن بزرگوار هم همین را تکرار کردند؛ یعنی کار خودشان را به دستور اسلام مستند کردند: (ان رسول الله قال: من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرمات الله ناکثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله)».^(۴۱)

- «یکی از چیزهایی هم که حالا در عرصه و در میدان لازم است به آن توجه کنیم، این است که: مراقب باشیم دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیرمفید و احياناً مضر در این حرکت پیش

رونده نشود که یکی از اینها، همین مسئله اختلافات است، که من اگر روی اینها تکیه می‌کنم، به خاطر این است. یک وقت هست که یک جریانی در مقابل انقلاب می‌آید قد علم می‌کند به قصد کوبیدن انقلاب، خوب، وظیفه هر کسی است که دفاع کند. انقلاب از خودش دفاع می‌کند، مثل هر موجود زنده دیگری. انقلابی که نتواند در دوران فتنه، در دوران ایجاد کودتاهای گوناگون - سیاسی و نظامی و امثال اینها - از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع می‌کند، غالب هم می‌شود، پیروز هم می‌شود، برو برگرد هم ندارد؛ کمالینکه در سال ۱۳۸۸ دیدید این کار اتفاق افتاد. یک وقت این است قضیه، یک وقت نه، قضیه، قضیه ایستادگی در مقابل یک حرکت براندازانه و اینچنین نیست؛ اختلاف نظر، اختلاف سلیقه، اختلاف عقیده احياناً است. اینها را بایستی هرچه ممکن است فرو کاست. اینجور چیزها را هرچه ممکن است باید کم کرد. مشتعل کردن این اختلاف‌نظرها مضر است.

یک مسئله این است که اگر یک کسی یک حرف غلطی زد، آیا کسی باید به او جواب بدهد یا نه؟ خوب، بله معلوم است. جواب دادن به حرف غلط، شیوه خودش را دارد، راه خودش را دارد، کار خاص خودش است. یک وقت هست که حالا که کسی یک حرف غلطی زد، ما بیاییم مثلاً صد جا این حرف غلط را تابلو کنیم، شعار کنیم که آقا، فلانی این حرف غلط را زد، تا همه بدانند. این است که اشتباه است، خطاست. من با حرکت روشنگرانه از سوی هر کسی، از سوی هر نهادی، هیچ مخالفتی ندارم، بلکه علاقمندم و معتقدم به مسئله تبیین. یعنی اصلاً جزء راهبردهای اساسی کار ما از اول، مسئله تبیین بوده است. تبیین لازم است؛ اما این معنایش این نیست که ما به اختلافات درونی، هی دامن بزنیم. مراقب باشید. این را همه باید مراقب باشند؛ به‌خصوص سپاه... اختلاف ما با چپی‌ها و مارکسیست‌هایی که آن وقت مبارزه می‌کردند، سر همین بود که ما می‌گفتیم باید تبیین کرد، آنها به تبیین اعتقاد نداشتند؛ یک چیز دیگری می‌گفتند، یک تفسیر دیگری داشتند. کار انقلاب از اساس با تبیین، روشنگری، بیان منطقی، مستدل و دور از هو و جنجال بود.^(۴۲)

۵. عواملان و نیروی انسانی فرهنگ سیاسی

به‌نظر رهبر معظم انقلاب «باید اخلاق اسلامی به‌صورت کامل در جامعه محقق شود و فرهنگ عمومی مردم در مسیر صحیح و اسلامی قرار گیرد. لازمه این کار، رسوخ دادن باورها و عقاید به عمق جان مردم و جوانان و از بین بردن زمینه‌های گناه در جامعه است، ضمن آنکه باید برخی اختلالات و کمبودها در مسائل تعلیم و تربیت، خانواده، ارتباطات اجتماعی، همکاری جمعی و وجدان کاری برطرف و اصلاح شوند».^(۴۳)



آموزش و پرورش، عامل رشد فرهنگ سیاسی مطلوب

رهبری نظام معتقدند مجموعه آموزش و پرورش از عوامل اصلی رشد فرهنگ سیاسی است که البته نباید اینچنین انگاشت که از افراد روحانی و فضلا نباید استفاده کرد: «فضلا و برجستگان حوزه علمیه، آن عناصر لایق و توانایی هستند که می‌توانند در مجموعه عظیم آموزش و پرورش نقش ایفا کنند؛ و هیچ دستگاہی مهمتر از آموزش و پرورش نیست. این بدان معناست که برای آموزش و پرورش هرچه سرمایه‌گذاری مادی و معنوی و انسانی بشود، جا دارد. آموزش و پرورش منبع حیات برای جامعه است؛ هم برای امروز جامعه و هم برای فردای جامعه».^(۴۴)

لزوم تحول در آموزش و پرورش

برای ایجاد یک نظام آموزش و پرورش متعالی تکیه بر اصول غربی و غیرخودی طبیعتاً جوابگوی نیازهای جامعه ما نخواهد بود بر این اساس ایشان معتقدند: «چرا می‌خواهیم تحول ایجاد کنیم؟ دلیل ساده‌اش این است که نظام کنونی آموزش و پرورش ما توانایی لازم را برای تربیت نسل‌های گوناگون ما نشان نداده است. علت هم در درجه اول این است که این نظام و این تشکیلات، وارداتی است؛ برخاسته از نیازهای درونی ما نیست. این، یکی از مشکلات بزرگ ماست... ما بدمان نمی‌آید و ننگمان نمی‌کند که از دیگران یاد بگیریم. آنچه که بد است، این است که ما بیابیم الگوهای ملت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر را به‌طور دربست در بین ملت و کشور خودمان پیاده کنیم... این تحول باید بر اساس ایجاد یک الگوی مستقل ایرانی و برخاسته از معنویات و نیاز این کشور باشد؛ یعنی درواقع برخاسته از اسلام ناب، اسلام مورد اعتقاد ما باشد. هدف، تربیت نیروی انسانی طراز جمهوری اسلامی است. اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، می‌خواهد خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند - همچنان که قرآن به ما یاد می‌دهد که می‌توان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد - اگر می‌خواهد به ملت‌های دیگر کمک برساند، که (کنتم خیرامه اخرجت للناس)^(۴۵) شاهد و مبشر ملت‌های دیگر باشد، خوب، طبیعتاً نیازهایی دارد: باید انسان‌های شریف، دانا، با استعدادهای جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوت خطرپذیری، ورود در میدان‌های جدید، بدون هیچ‌گونه عقده خودکم‌بینی یا خودبرتربینی، انسان‌های دل‌داده به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسان‌های صبور، انسان‌های بردبار و حلیم، انسان‌های خوشبین و انسان‌های امیدوار تربیت کنید. اسلام همه اینها را به‌صورت بسته کامل در اختیار همه معتقدین و مؤمنین خود قرار داده. این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره‌مند شویم، آنها را بچشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید اینجور انسانی باشد ... نگاه کلان و نقشه جامع، شرط اول است».^(۴۶)

۶. صدور فرهنگ سیاسی متعالی

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به اهمیت بسیار بالای مقوله فرهنگ به‌عنوان هویت و شاکله معنوی یک ملت و گستره وسیع و تأثیر عمیق آن در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، مسئولیت شورای عالی انقلاب فرهنگی را مهم و عظیم خواندند و تأکید کردند: در عرصه تهاجم پیچیده و فراگیر فرهنگ جبهه استکبار بر ضد نظام اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی همچون یک قرارگاه اصلی، وظیفه سیاستگذاری راهبردی و هدایت دستگاه‌ها و مراکز تأثیرگذار فرهنگی و بخش‌های اجرایی را برعهده دارد.^(۴۷)

«اگر ملتی، از نظر شاکله ظاهری، مقبول و پیشرفته جلوه کند و از نظر فرهنگی و باطنی دچار نابسامانی باشد، ملت ورشکسته‌ای خواهد بود، اما ملتی که از نظر فرهنگی غنی باشد، حتی اگر برخی مشکلات سیاسی و اقتصادی نیز داشته باشد، بالقوه، ملت مقتدری است... راه مقابله با تهاجم فرهنگی جبهه استکبار، گسترش و تعمیق رسالت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه‌های اخلاقی، رفتارهای فردی و اجتماعی، عقاید و باورهای دینی و مسائل سیاسی است.»^(۴۸)

ازسوی دیگر رهبر معظم انقلاب درباره اثرگذاری انقلاب اسلامی بر تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا فرمودند:

«من هیچ نمی‌خواهم ادعا کنم و بگویم انقلاب اسلامی همه‌کاره بود - حالا بعضی هم حساسند از اینکه گفته بشود منشأ این انقلاب‌ها، انقلاب اسلامی است - نه، اصلاً چنین ادعایی هم نمی‌کنیم، لازم هم نیست چنین ادعایی بکنیم؛ اما مسئله این است که امروز همان حرکتی که ما ملت ایران ۳۰ سال قبل، ۲۲ سال قبل شروع کردیم، عیناً همان حرکت را با یک تفاوت‌های منطقه‌ای و بومی و جغرافیایی و تاریخی، در دنیای اسلام در چندین کشور داریم مشاهده می‌کنیم و من عرض کردم موج بعدی این کار در مناطق خیلی دوردست‌تر هم وجود دارد و چنین چیزی پیش خواهد آمد که این برای ما تشویق‌آمیز است، این برای ما مبشر است، مژده‌بخش است؛ نشان می‌دهد که ما امیدمان به آینده باید بیشتر باشد.»^(۴۹)

نتیجه‌گیری

فرهنگ سیاسی در واقع توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است که هم بر رفتار شهروندان و هم رهبران و حاکمان تأثیر می‌گذارد. در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) نماد و جهت‌دهنده فرهنگ سیاسی کشور است. به‌نظر ایشان



مکتب امام مکتب کاملی است که دارای سه بعد است: بعد معنویت، بعد عقلانیت و بعد عدالت. در نظام اندیشه‌ای مقام معظم رهبری مهمترین مفهومی که نقش محوری دارد عدالت است. به عبارت دیگر در دیدگاه ایشان عدالت راهبرد قدرت سیاسی است و قدرت همیشه باید تابع و پیرو اصل عدالت باشد. به نظر ایشان تداوم حیات نظام سیاسی جمهوری اسلامی در راستای تحقق عدالت است و در واقع عدالت صفت جدانشدنی از ساخت قدرت سیاسی در یک حکومت اسلامی و از وجوه متمیزه ساخت قدرت سیاسی یک حکومت اسلامی با غیراسلامی است.

در نظر مقام معظم رهبری قانون‌گرایی به مثابه روش دستیابی به فرهنگ سیاسی متعالی است. به نظر ایشان باید اخلاق اسلامی به طور کامل در جامعه محقق شود و فرهنگ عمومی مردم در مسیر صحیح و اسلامی قرار گیرد. لازمه این کار، رسوخ باورها و عقاید به عمق جان مردم و جوانان و از بین بردن زمینه‌های گناه در جامعه است، ضمن آنکه باید برخی اختلالات و کمبودها در مسائل تعلیم و تربیت، خانواده، ارتباطات اجتماعی، همکاری جمعی و وجدان کاری برطرف و اصلاح شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. گابریل ا. آلموند، جی، بینگهام پاول جونیر، رابرت جی، مونت. چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۷۱.
۲. پیشین، صص ۷۱-۷۸.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با سفرای ایران در کشورهای عربی و خاورمیانه، ۱۳۶۴/۸/۶.
۴. بیانات در دیدار با هیئت علمی کنگره امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸/۱۱/۴.
۵. بیانات در دیدار با اعضای حزب جمهوری اسلامی گرگان و گنبد و امام جمعه قزوین، ۱۳۶۲/۸/۵.
۶. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در عید سعید غدیر، ۱۳۷۰/۴/۱۰ و دیدار مسئولان، کارداران و سفرای وزارت خارجه، ۱۳۸۱/۵/۲۷ و درباره حکومت و جهان‌داری در نهج‌البلاغه، ۱۳۶۰/۲/۳۱.
۷. سه‌شنبه، ۲۱ تیرماه ۱۳۹۰، <http://jahanimages.com/favicon.ico>
۸. بیانات مقام معظم رهبری در بیست‌ودومین سالگرد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰/۳/۱۴.
۹. بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته دولت، ۱۳۷۴/۶/۸.
۱۰. بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری، ۱۳۷۹/۲/۱۴.
۱۱. بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۲/۲۷.
۱۲. غررالحمک، ج ۱، ص ۳۲۹.
۱۳. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۴/۱۳.
۱۴. بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۲/۲۷.
۱۵. پیشین.
۱۶. پیشین.

۱۷. بیانات رهبری در دیدار با هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۸.
۱۸. حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر احمد واعظی «بررسی «عدالت» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» قابل دسترس در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری "<http://farsi.khamenei.ir/rss>"، دوشنبه، ۲۰ تیرماه ۱۳۹۰.
۱۹. بیانات در دیدار با هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸.
۲۰. بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۲/۲۷.
۲۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۰/۴/۶.
۲۲. پیام به ریاست محترم جمهوری آقای خاتمی درخصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم، ۱۳۷۸/۲/۳۰.
۲۳. ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری، ۱۳۸۹/۱/۳۱.
۲۴. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰/۳/۱۴.
۲۵. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت، ۱۳۷۶/۶/۲.
۲۶. پیشین.
۲۷. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸.
۲۸. پیشین.
۲۹. دیدار اعضای کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس با رهبر انقلاب، ۱۳۹۰/۲/۵.
۳۰. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱.
۳۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان فارس، ۱۳۹۰/۲/۳.
۳۲. پیشین.
۳۳. دیدار وزیر کشور و جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی با رهبر انقلاب، ۱۳۹۰/۲/۴.
۳۴. دیدار اعضای شورای عالی استان‌ها و شهرداران مراکز استان‌ها با رهبر انقلاب، ۱۳۹۰/۲/۱۰.
۳۵. بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ناظرین اهل بیت (ع)، ۱۳۹۰/۳/۳.
۳۶. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸.
۳۷. پیشین.
۳۸. پیشین.
۳۹. پیشین.
۴۰. بیانات در بیست‌ودومین سالگرد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰/۳/۱۴.
۴۱. مقتل ابی‌مخنف، ص ۸۵، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۴/۱۳.
۴۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۴/۱۳.
۴۳. بیانات در دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰/۳/۲۳.
۴۴. بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۱۴.
۴۵. آل عمران، آیه ۱۱۰.
۴۶. بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۱۴.
۴۷. بیانات در دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰/۳/۲۳.
۴۸. پیشین.
۴۹. پیشین.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۴۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مسئولان در سخنان مقام معظم رهبری

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: میثم آقاداتی

ناظر علمی: محمدرضا شمس‌ا

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۶/۳۰